



تهیه و تنظیم: مهندس اکبر شیرزاده

پژوهشی در صنعت پارچه بافی ایران در رویارویی با هجوم مغول‌ها

بخش اول

آنها به یونان قصد براندازی این صنعت را در فکر خود داشت و مدتی رکود این هنر و صنعت را موجب گردید ولی میهن پرستان و دل سوختگان این مرز و بوم کار خود را انجام دادند و بار دیگر هنر را به اوج خود رساندند.

۲- با پیدایش سلسله پادشاهی اشکانیان، صنعت بافندگی و تولیدات پارچه چندان رونقی نداشت چون اشکانیان بیشتر به امور کشاورزی و دامداری می پرداختند و به حال هنرمندان، پیشه وران و صنعتگران و تقویت آنها توجه چندانی نداشتند ولی خریداران این نوع البسه و استقبال کشورهای مجاور از بافت و تولیدات ایران باعث حرکت دست‌اندرکاران این صنعت گردید و هنرمندان دوره شده از صنعت، به ایران بازگشته و کار خود را شروع و موجب رونق تجارت و کار ایران شدند و شروع به نوآوری و تکمیل دست پرورده‌های خود زدند.

۳- با شروع سلسله ساسانیان حرکت بسیار عظیمی در صنایع ایران آغاز گردید و صنعتگران و مبتکران ایرانی حرکت نمادین خود را به اوج رسانده و چنان کردند که چشم جهانیان را خیره کرد و در کتب خود اعجاز را در مورد پارچه‌های ایران اظهار نمودند. خوشبختانه از بافته‌های این دوره به وفور در موزه‌ها و کلیساهای ممالک غرب به یادگار مانده است که می‌تواند برای شناخت تنوع و چگونگی صنعت نساجی در دوره ساسانیان راهگشای خوبی باشد. در دوره ساسانی فن بافندگی ایران به اوج عظمت و منتهی درجه ترقی و رونق خود رسید و از آن دوران بعضی پارچه

صنعت پارچه بافی ایران طی دوران‌های متمادی با هجوم‌هایی روبرو شد که بسیار سربلند از یوغ آنها خود را نجات داده و به وسلیه هنرمندان برجسته، وظیفه شناس، از خود گذشته و دانا به سرافرازی رسید. گواه این ادعا تکه‌ها و قطعات نفیس و با ارزش موجود در موزه‌های دنیا می‌باشد.

۱- اولین بار در دوران هخامنشیان به اوج خود رسید و بازارها و دربارها سلطنتی جهان را به وسیله تولیدات خود خیره کرده و باعث رونق کار و سربلندی ملت ایران با تقاضای روزافزون شاهزادگان چینی، رومی، یونانی و به طور کلی جهانیان روبرو شد و رقابتی عظیم در خرید زربفت، ترمه و مخمل بافت ایران در آن زمان به وجود آمد.

با هجوم اسکندر و زورگویی و ظلم بی حد وی و جمع کردن هنرمندان دانشمندان ایرانی و فرستادن





های ابریشمی باقی مانده است که بهترین نمونه از ترقی این صنعت در دوره ساسانی می باشد.

اشکال و رسم های تزئینی در این پارچه ها از مجموعه دوایر و اشکال هندسی دیگر و تصاویر حیوانات یا پرندگان در حال شکار می باشد. این اشکال به طور متقابل و یا در حالی که پشت به هم داده اند در کمال ترتیب و دقت فنی، بافته شده و در میان حیوانات متقابل غالباً سیاه قلمی دیده می شوند که تقلید از شکل طبیعی درخت است. مرغوبیت بافته های این دوره به حدی بود که حتی بربق امپراطوری روم و جامه مرگ پادشاه فرانسه را از این پارچه ها درست کرده بودند.

۴- با هجوم قوم عرب، کلیه هنرمندان، صنعتگران و دانشمندان تحت تأثیر ظلم و بیدادگری و گرفتن مالیات های سنگین به بهانه های مختلف باعث آوارگی و پراکندگی تولیدکنندگان و رکود صنعت شد و خلفای اموی به حدی ظلم بر مردم ایران و صنعتگران روا داشتند که همگی آنها فرار را بر قرار ترجیح دادند و خود و خانواده و ابزار آلات و قطعات تولید را به نقاط امن و دور از دسترس حکام جابر و ظالم به اقصی نقاط دنیا بردند. این مردم دانا، هنرمند، میهن پرست و دقیق به امور تجارت و صنعت، هوشیارانه منتظر فرصت بودند تا جایگاه خود را پیدا کنند و بار دیگر به احیای صنعت و هنر خود دست یابند.

۵- با پیدایش سلسله های صفاریان و طاهریان و قرار گرفتن وزیران باکفایت مانند برمکیان در دستگاه هارون و فضل ابن سهل در دستگاه مامون و سایر وزیران ایرانی خلأ ایجاد شده به وسیله هنرمندان رفع شد و تجلی هنر و صنعت بار دیگر احیا شد و با خود گذشتگی این مردم، اوج پارچه بافی شروع و انجام شد. به تدریج حرکت پارچه بافی و تجارت آن و فرستادن هدایای زریفت، ترمه، حریرهای نفیس، مخمل های زیبا برای سرپرده درباری و لباس های فاخر طرفدار پیدا کرد. به طوری که تجار کشورهای غربی و اطراف ایران، افتخار می کردند که لباس بافت ایران بر تن دارند و غربی ها اعجاز پارچه های ایرانی را می شنیدند و با به کارگیری در محل های مقدس خود آنان را به کار می بردند.

۶- در زمان سلسله دیلمیان و با شروع کار عضدالدوله، اوج پارچه بافی و تجارت و ایجاد شغل در میان هنرمندان به حد زیادی ترمیم و تعالی گرفت و بافت پارچه های نفیس و زیبا و حریرهای بسیار خوشرنگ متداول شد.

۷- در دوره خوارزمشاهیان، تجارب میان ایران و کشورهای دیگر در سطح بالایی قرار گرفته بود به طوری که چنگیز خان مغول اظهار دوستی و تبادل تجارت را به ایران پیشنهاد داد اما با غفلت سلطان خوارزمی، طمع حکام، بی کفایتی آنها، غارت اموال تجار مغولی و جواب سر بالا دادن به اعتراض چنگیزخان شد آن چه نباید می

شد. و باعث خشم چنگیز خان و لشکر کشی او به سوی ایران گردید. با آمدن مغول ها، کلیه زحمات هنرمندان و صنعتگران غیور ایرانی بر باد رفت و باعث ویرانی مملکت و در نتیجه سقوط صنعت پارچه بافی و پراکندگی هنرمندان و دست اندرکاران این رشته بی نظیر و بارزش شد.

سیاست اقتصادی چنگیز خان: بار تولد می نویسد: پیروزی هایی که چنگیزخان در چین به دست آورد (سال ۶۱۵ هجری) و به فتح پکن منجر شد؛ نام وی را به مراتب بیش از توفیقی که در متحد ساختن قبایل مغول کسب کرده بود بلندآوازه کرد. خوارزمشاه خواست درباره این شایعات تحقیق کند. بدین سبب سوالاتی تحت نظر بهاء الدین رازی از خوارزم نزد چنگیز گسیل داشت. رسولان پس از فتح پکن وارد دربار وی شدند. همه جا آثار ویرانی های وحشت انگیز دیده می شد. از استخوان های کشته شدگان کوه ها تشکیل شده بود خاک از روغن آدمیزادگان مقتول نرم شده بود بر اثر متلاشی و پوشیدگی اجساد، بیمارهای گوناگون ساری گشته بود به طوری که برخی از همراهان بهاء الدین مریض شده و جان سپردند. در کنار دروازه شهر پکن، توده عظیمی از استخوان آدمی دیده می شد. مردم به رسولان گفتند که هنگام تسخیر شهر به دست مغولان، ۶۰ هزار دوشیزه چینی خود را از باروی شهر به زیر افکندند تا به چنگ مغولان نیفتند. چنگیز خان، نمایندگان خوارزمشاه را به احترام تمام پذیرفت و به ایشان پیغام داد به سلطان خود بگوئید که چنگیز خان همچنان که خود را پادشاه مشرق می داند خوارزم را نیز فرمانروای غرب می شمارد و مایل است که بین طرفین صلح و مسالمت برقرار نماید و از ممالک خوارزمشاهی و چنگیزی کاروان های تجاری در رفت و آمد باشند و امتعه و مال التجاره های خود را معاوضه و داد و ستد نمایند.

در آن زمان هنرمندان ایرانی با ابداع پارچه ۳ طبقه که مورد مصرف آن در تهیه خیمه و خرگاه بود دست یابی کردند. این پارچه که در آن واحد سه لایه مجزا از هم بود و در نقاطی به هم متصل می شدند و به شکل یک پارچه سه لایه ارائه می گردید. در تار و پود پارچه بالا از پشم استفاده می شد و بسیار ظریف و محکم بافته می شد چون پشم ضد آتش بود و فقط کز می کرد در صورتی که چادرها و خیمه ها را آتش می زدند آتش را بروز نمی داد و به راحتی چادرها حفظ می شد. پارچه وسط که از تار و پود ابریشم ظریف تهیه می شد آغشته به روغن کرچک و بزرک نباتی می شد و باعث می گردید که باران و آب به پائین سرایت کند و پارچه پائینی از پنبه ظریف تهیه می شد. این پارچه که همگی به طور سه لایه به هم اتصال داشتند و در تهیه چادر، خیمه و خرگاه به کار می رفت و خرگاه پادشاهان و وزیران را با

ملیله کاری گلدوزی و نخ های زینتی آرایش داده می شد.

چون چنگیزخان صحرانشین بود و همیشه در سرپرده و خیمه زندگی می کرد این نوع چادرها را بسیار مناسب خود می دانست و برای همین منظور بازرگانان خود را برای خرید این نوع کالا روان کرد که همگی ۵۰۰ نفر تجار به دست عوامل سلطان محمد خوارزمشاه کشته شدند و اموال آنها به غارت رفت. چنگیزخان پس از تصرف ایران همگی این هنرمندان را به کشور خود گسیل داد و ثروت آنان را ضبط کرد و آنان را وادار به ساختن و تهیه این نوع چادر، خیمه و خرگاه جهت مصرف لشکر خود نمود.

بدویان مغولستان به مناسبت نیازی که محصولات و امتعه بلاد اطراف مساکن خود داشتند به تجارت و دایر نگاه داشتن طرق معاملات اهمیت بسیار می دادند و قبل از عهد چنگیز بین طوایف مغول و مردم چین تجارت معتبری دایر بود و سکنه مسلمان ترکستان شرقی و ایغورها واسطه این تجارت محسوب می شدند.

تجار مسلمان رعایای خوارزمشاه از یک طرف و چنگیزخان از طرف دیگر مایل به افتتاح راه های تجاری قدیم و دایر ماندن آنان بودند ولی خوارزمشاه شخصاً به این مسائل اعتنایی نداشت و به هیچ وجه به منافع رعایای خود و مصالح حال و آینده مملکت توجهی نمی کرد. برخلاف او چنگیز خان، تجار مسلمان را به ممالک خود جلب می نمود و بیش از هر چیز میل داشت که روابط بین او و خوارزمشاه بر اساس صلح و سلامت استوار بماند و کاروان های دو طرف، دائماً در رفت و آمد باشند.

تجار مسلمان رعیت خوارزمشاه که در ممالک اطراف مانند چین روسیه معاملات زیادی داشتند، از بروز جنگ در این نواحی همه وقت ضرر بسیار می دیدند و هر وقت که صلح برقرار می شد و راه تجارت باز می شد بدون فوت وقت، باب معاملات را مفتوح می نمودند.

پس از آن که سلطان محمد خوارزمشاه و چنگیزخان مناطق متصرفی خود را بسط دادند و به یکدیگر نزدیک شدند چنگیز بیش از پیش در حفظ امنیت راه ها و حمایت کاروانیان کوشید و سه نفر از تجار مسلمان را که به خدمت او رفته بودند به گرمی پذیرفت و کالاهای آنان را به قیمت خوب خریداری کرد و عده ای از تجار و نمایندگان خود را با هدایایی که همراه تجار مسلمان نزد سلطان محمد فرستاد. گرچه سلطان محمد از این که چنگیز او را فرزند خود خوانده بود متغییر شده بود؛ اما در اثر حسن تدبیر و کاردانی محمد بلوچ نماینده چنگیز آتش خشمش فرونشست و سرانجام بین طرفین معاهده ای منعقد گردید و طرفین تعهد کردند که دوستان یکدیگر را دوست و دشمنان هم را دشمن مشترک خود بدانند.